

متن پرسش

با سلام: در کتاب روح مجرد آمده است: افرادی که که بدون رهبر و دلیل، خودسرانه راه ریاضت پیش گرفته و بنای نمازهای مستحبی و روزه مداوم و ترک حیوانی و ذکر ورد و فکر خودسرانه، از مطالعه کتب یا از تبعیت و پیروی استاد غیر کامل و یا از روی انتخاب و اختیار خویش نموده اند ابدان نمی توانند از این منزل بار سفر بر بندند زیرا اولاً این منزل بسیار جالب و زیباست و دل کندن و عبور کردن مشکل است و ثانیاً عبور از آن مستلزم قربانی نفس در راه اوست و چگونه نفس حاضر برای قربانی خودش می شود؟ در کل در این کتاب نظر این است که بدون استاد کامل سیر و سلوک نتیجه ناخوشایندی خواهد داشت حال وظیفه ما چیست؟ با توجه به اینکه اولاً استادی نمی شناسیم اگر هم باشد از کجا بفهمیم او استاد کامل است و ما را به سرمنزل مقصود خواهد رساند؟ آیا ما باید به صورت مردم عادی زندگی کنیم و بیخیال سیر و سلوک شویم چون عادی بودن بهتر از منحرف شدن است؟ خواهشمند است راهنمایی فرمایید.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: این نکته بیشتر مربوط به زمان مرحوم قاضی است و با ظهور انقلاب اسلامی و تحقق تاریخی دیگر، شرایط طوری شده که حضرت آیت الله بهجت، موضوع «علم تو استاد توست» را به میان آوردند که بحث آن در جزوه‌ی «شرح مختصر دستورالعمل آیه الله بهجت (رحمه الله)» در قسمت نوشتاری سایت هست. موفق باشید

[لینک جزوه‌ی «شرح مختصر دستورالعمل آیه الله بهجت \(رحمه الله\)»](#)